

# آیا ترامپ فاشیست است؟

روزان اسمیتس



ترجمه‌ی کوشیار پارسی



۱۴ ژانویه ۲۰۲۶، روزی که مأموران اداره‌ی مهاجرت و گمرک (ICE) در مینیاپولیس برای دومین بار یک نفر را با شلیک گلوله کشتند، صدها معترض به خیابان‌ها می‌آیند. شماره خودروهای ناظران مدنی که اقدامات اداره‌ی مهاجرت و گمرک را فیلم‌برداری می‌کنند، ثبت می‌شود. بعدها، آن‌ها در خانه‌های خود توسط مأموران فدرال مورد ارباب قرار می‌گیرند. عکس: جک کالیفانو.

خشونت در خیابان‌های آمریکا بار دیگر این پرسش را برانگیخته که آیا دونالد جی. ترامپ، رئیس‌جمهور، فاشیست است؟ اما مسأله‌ی مهم‌تر این است که پاسخ به این پرسش چه معنایی می‌تواند داشته باشد. برچسب «فاشیسم» انسان را ملزم به واکنش می‌کند و نیز دستورکاری پیش رو می‌گذارد. مقاومت هرچه دیرتر صورت گیرد، بهایش سنگین‌تر خواهد بود.

### آیا دونالد جی. ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، فاشیست است؟

این پرسش از همان نخستین دوره‌ی ریاست‌جمهوری ترامپ مطرح بود؛ زمانی که برخی کارشناسان - هرچند با احتیاط - او را با فاشیسم مقایسه می‌کردند. اما تا همین اواخر، مهم‌ترین استدلال مخالفان این بود که رژیم او هنوز فاقد ویژگی‌های تعیین‌کننده‌ی فاشیسم است: خشونت آشکار و بی‌کیفر علیه شهروندان آمریکایی، گسترش قدرت در خارج از کشور. حذف دموکراسی. به بیان دیگر: جوخه‌های ضربت، «زیستگاه (Lebensraum) [از ایده‌های سیاسی اصلی هیتلر]» و یک پیشوا/ (Führer).

تا امسال چنین نبود. هم‌زمان با ربودن رئیس‌جمهور ونزوئلا، نیکولاس مادورو، و ادعای مالکیت ارضی بر سراسر نیم‌کره‌ی غربی، افسار از پوزه‌ی سازمان‌های مهاجرتی؛ اداره‌ی مهاجرت و گمرک (ICE) و گشت مرزی [Border Patrol / نیروهای شبه‌نظامی با گرایش میل به گسترش قلمرو و آشکارترین نشانه‌های فاشیسم در عمل] برداشته شد. و برای کسانی که با وجود همه‌ی این‌ها هنوز معتقدند ایالات متحده همچنان یک دموکراسی کارآمد است - بدان گونه که وزیر امور خارجه‌ی هلند، دیوید فان ویل [David van Weel]، به تازگی همان گفته‌ی ترامپ را تکرار کرد که هفته‌ی گذشته در مجمع جهانی اقتصاد در داووس [Davos] بار دیگر به‌صراحت بیان کرد: «من یک دیکتاتور هستم. اما شما گاهی به یک دیکتاتور نیاز دارید

*[I am a dictator. But sometimes, you need a dictator]*».

بنابراین، این پرسش با فوریتی تازه دوباره بر سر زبان‌ها افتاده است: آیا اکنون می‌توان ترامپ را یک فاشیست نامید؟

آیا ترامپ فاشیست است؟

مجله‌ی آمریکایی آتلانتیک [The Atlantic] آخر هفته‌ی گذشته تیتراژ زد: «بله، این فاشیسم است». و نیویورک تایمز با اشاره به ائتلاف سست و ناهمگون لیبرال‌ها، پیشروها و محافظه‌کاران ضدترامپ در آمریکا<sup>۱</sup> که از همان ابتدا درباره‌ی ماهیت فاشیستی جنبش «ماگا» (MAGA) هشدار داده بودند، نوشت: «لیبرال‌های مقاومت درست می‌گفتند».

برنامه‌ی خبری «ساعت خبر» / Nieuwsuur [کانال ۲ تلویزیون هلند] نیز به این موضوع پرداخت و گزارشی با عنوان «بحثی پرشور در آمریکا: آیا ترامپ فاشیست است؟» پخش کرد. پاسخ برنامه محتاطانه ناگفته ماند؛ با قرار دادن دو تاریخ‌دان از دو مکتب دانشگاهی متفاوت در برابر یکدیگر. یک سو: فدریکو فینخلشتاین [Federico Finchelstein]، استاد آرژانتینی که فاشیسم را به‌عنوان الگوی معاصر مطالعه می‌کند. سوی دیگر: توماس وبر [Thomas Weber]، استاد آلمانی که بر ماهیت ایدئولوژیک و تاریخی فاشیسم اروپایی تأکید دارد. اولی گفت: بله؛ ترامپ مانند یک فاشیست رفتار می‌کند و اگر بتواند انتخابات میان‌دوره‌ای ماه نوامبر امسال را به تعویق بیندازد، دستکاری یا آن را باطل اعلام کند، آن‌گاه رژیم فاشیستی او تحقق یافته است. دومی گفت: نه؛ تفاوت‌های ایدئولوژیک بسیار بزرگی با فاشیسم آن دوران وجود دارد. و «ساعت خبر» بحث را همین‌جا خاتمه داد: بیننده، خودت قضاوت کن.



۱۴ ژانویه ۲۰۲۶ ماموران مسلح به سلاح‌های سنگین اداره‌ی مهاجرت و گمرک (ICE) در خیابان‌های مینیاپولیس.

اگر منتظر بمانی تا این تحول به‌تمامی آشکار شود و بتوانی آن را «فاشیسم» بنامی، خیلی دیر خواهد بود.

پرسش بسیار مهم‌تر فقط این است: پاسخ به این پرسش (فاشیسم) چه معنایی دارد؟ با یک نمونه‌ی ساده که ترامپ فاشیست است، خیلی به جایی نمی‌رسی. دست‌بالا ممکن است از کاخ سفید صدای مخالف بشنوی که در بیانیه‌ی اخیر برچسب «فاشیسم» را «فریاد جنگ برای خشونت» از سوی دموکرات‌ها خوانده است.<sup>۲</sup> این برچسب تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که بپذیریم و دست به عمل بزنیم. و بهتر آن‌که منتظر نمانیم تا جوخه‌های ضربت شروع به اعدام شهروندان آمریکایی کرده باشند، نظم حقوقی بین‌المللی از هم پاشیده و ترامپ به‌عنوان «رییس‌جمهور صلح» جهان تاج‌گذاری کرده باشد.

این را می‌توان با واژه‌ی «نسل‌کشی» مقایسه کرد. اگر تنها زمانی دست به اقدام بزنی که یک نهاد حقوقی بین‌المللی اعلام کند با نسل‌کشی روبه‌رو هستیم، دیگر جانی

برای نجات دادن باقی نمانده است. در مورد فاشیسم نیز همین گونه است. چنین رژیمی ناگهان از آسمان فرود نمی آید تا دموکراسی را یک باره درهم بکوبد. تصرف قدرت به شیوهی فاشیستی به شکل تدریجی رخ می دهد. در این مسیر، لحظه های بی شماری برای مداخله و نجات دموکراسی وجود دارد. اما اگر این روند را تنها زمانی «فاشیسم» بنامی که به بلوغ کامل رسیده باشد، دیگر برای عمل کردن بر پایه ی این آگاهی، خیلی دیر شده است. یا آن گونه که فینخلشتاین در گفت و گو با من در دسامبر گذشته، گفت: «فاشیسم ابتدا در قالب باورها ظاهر شده، سپس به جنبش بدل می شود و در برخی موارد می تواند تا تبدیل به رژیم فاشیستی رشد کند. تازه آن وقت است که بازی تمام می شود.» از همین رو، شناسایی این روند در مراحل اولیه برای بقای دموکراسی حیاتی است. آنچه در این مسیر کمک می کند، این است که فاشیسم را نه به عنوان یک «وضعیت بودن» (این که کسی فاشیست هست یا نیست)، بلکه به عنوان «دستورالعمل عملی» ببینیم (فاشیسم کار و عملی است که کسی انجام می دهد).

فاشیسم شیوه ای از عمل است برای به دست آوردن قدرت در درون یک دموکراسی و سپس حفظ آن قدرت. این شیوه بیگانه هراسی را بسیج می کند و وعده می دهد که به طور رادیکال با نظم مستقر قطع رابطه کند و جامعه را با خشونت از «دشمنان» پاک سازی کند تا ملت را در شکوه کاملش دوباره برپا سازد. این وعده، رأی دهندگانی را جذب می کند که اعتماد خود را به سیاست و نهادهای سنتی از دست داده اند.

به گفته ی رابرت پکستون [Robert Paxton] تاریخ دان در کتاب «آنا تومی فاشیسم»<sup>۳</sup> (۲۰۰۴)، عامل حیاتی موفقیت چنین کودتای فاشیستی نه ارباب یا خشونت فاشیست ها، بلکه سکوت احزاب محافظه کار یا لیبرال میانه رو است. این احزاب با مخالفت نکردن با افراطی گری، به نوعی آن را طبیعی جلوه می دهند: «از نحوه ی شکل گیری فاشیسم می دانیم که این جنبش نیازی به "رژه"ی چشمگیر در پایتخت ندارد تا جای پای خود را محکم کند. کافی است تصمیماتی به ظاهر بی ضرر اتخاذ شود که خشونت بی قانون علیه "دشمنان" ملی را قابل تحمل و مشروع جلوه دهد».



۲۳ ژانویه. پوسترهایی در خیابان‌های مینیاپولیس تصویری از رنه گود (Renee Good) را نشان می‌دهند. او در ۷ ژانویه توسط یک مأمور اداره‌ی مهاجرت و گمرک آمریکا (ICE) در خودروی خود تیرباران و کشته شد.

گفته می‌شود «معتدل‌ها» در حزب جمهوری‌خواه و دموکرات بارها اجازه داده‌اند که چنین رویدادهایی رخ دهد بی‌آن‌که واکنش جدی نشان دهند. در ایالات متحده مطلب از این قرار است. زیرا ترامپ مدت‌هاست که از دستورالعمل‌های عملی فاشیسم بهره برده است. مثل تحریک «ماگا» با شعارهایی چون: «آن‌ها دارند خون ملت ما را مسموم می‌کنند» (در مورد مهاجران)، یا «او را زندانی کنید» (در مورد رقیب دموکرات‌اش، هیلاری کلینتون). به یاد بیاوریم اشغال کاپیتول در سال ۲۰۲۱ که او مسبب آن بود، با هدف بازگرداندن به اصطلاح «انتخابات دزدیده‌شده» یا استفاده از اره‌ی زنجیری در حمله به بدنه‌ی دولت انجام شد. یا دور زدن دادگاه‌ها یا سوءاستفاده از رویه‌های اضطراری در دیوان عالی. به حملات علیه دانشگاه‌ها، روزنامه‌نگاران و مؤسسات فرهنگی نیز فکر کنیم.

و اگر همه‌ی این‌ها هنوز کمی انتزاعی به نظر می‌رسد، به لیام کونه‌خو راموس [Liam Conejo Ramos] ۵ ساله فکر کنید، که در بازگشت از مدرسه توسط یک مأمور مسلح اداره‌ی مهاجرت و گمرک آمریکا (ICE) در خیابان دستگیر شد، بعد مجبور شد در خانه‌شان را بکوبد تا دیگران بیرون آمده و دستگیر شوند. درست

## آیا ترامپ فاشیست است؟

مانند حدود چهار هزار کودک دیگر که در مراکز بازداشت در سراسر کشور زندانی‌اند. در این مراکز، اکنون گزارش‌های زیادی از آزار و شکنجه به بیرون درز کرده است - مراکزی که در آن‌ها کودکانی هستند که فریادهای کمک‌شان را می‌توان حتی از بیرون بازداشتگاه شنید .

به این فکر کنیم: بارها و بارها جمهوری خواهان و دموکرات‌های «میانه‌رو» بودند که اجازه دادند این وضعیت رخ دهد. شرکت‌های بزرگ هم سکوت کردند. برخی از آن‌ها اکنون سودهای بسیار هنگفتی از اعمال سیاست‌های اخراج و بازداشت مهاجران به دست می‌آورند (بودجه‌ی بزرگ دولت برای این اهداف، که بخشی از آن برای گسترش سیستم بازداشت و استخدام نیروهای جدید هزینه می‌شود). و با همان نظم و روال همیشگی - در ۲۰۱۶، ۲۰۲۱، ۲۰۲۴، ۲۰۲۵ و اکنون دوباره - رسانه‌ها به این پرسش پرداختند: «آیا ترامپ فاشیست است؟» و پس از آن همه چیز به «امور روزمره» بازگشته است.

در همین حال، ترامپ به ساختن پایه‌های آن‌چه برخی آن را «رژیم فاشیستی» می‌نامند ادامه داده: بودجه برای اداره‌ی مهاجرت و گمرک آمریکا (ICE) به‌حدی افزایش یافته که اکنون بیشتر از مجموع بودجه‌ی همه‌ی نیروهای اجرای قانون فدرال شده است، از جمله برای ساخت ظرفیت‌های بیشتر در بازداشت مهاجران و استخدام نیروی جدید.

در سال‌های اخیر، اداره‌ی مهاجرت و گمرک آمریکا (ICE) تلاش گسترده‌ای برای جذب نیرو انجام داده که بخشی از آن شامل پاداش‌های ثبت‌نام تا حدود ۵۰ هزار دلار و بسته‌های جذاب دیگر بوده است، که به رشد سریع شمار مأموران این سازمان کمک کرده. با این حال، شواهد معتبری درباره‌ی ویدیوهای رسمی با ارجاعات آشکار به نازیسم یا آموزه‌های مذهبی قهرمان‌گونه در ویدیوهای استخدامی رسمی اداره‌ی مهاجرت و گمرک آمریکا (ICE) در منابع معتبر پیدا نشده است؛ بخش‌های واقعی گزارش‌ها بیشتر به تبلیغات با پاداش‌های مالی و پیام‌های ملی‌گرایانه اشاره دارند تا به نمادهای مرتبط با نازیسم.

هم‌اکنون هر آمریکایی که مقاومت می‌کند تبدیل به «دشمن» شده است. چگونگی این وضعیت در هفته‌های اخیر در گزارش‌ها از مینی‌آپولیس روشن شده است:

گزارش‌هایی منتشر شده که در جریان عملیات بزرگ نیروهای مهاجرتی، مأموران بدون احتیاط اقدام به بازداشت یا دخالت در موقعیت‌های حساس کرده‌اند - از جمله مواردی که به حضور مأموران در بیمارستان‌ها بدون حکم قضایی اشاره شده و این موضوع باعث نگرانی کارکنان و بیماران شده است. رسانه‌ها در چند مورد نوشته‌اند که مأموران، خانواده‌ها را در منازل و خیابان‌ها هدف قرار داده‌اند، از جمله بازداشت پسر ۵ ساله‌ای به نام لیام کونخوا راموس به همراه پدرش در هنگام بازگشت از مدرسه و انتقال آن‌ها به مرکز بازداشت در تگزاس که تصویر پسر با کوله‌پشتی مدرسه و کلاه بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های آمریکا داشت. هم‌زمان شهادت‌های محلی و گزارش‌ها از سوی ساکنان حاکی است که مأموران گاهی بدون حکم وارد اماکن شده‌اند و برخوردهایی انجام داده‌اند که موجب وحشت و تروما شده است؛ برخی خانواده‌ها و همسایگان شاهد بازداشت جوانان در مقابل خانه یا خودرو بوده‌اند، یا مأموران رفتارهایی داشته‌اند که به گفته‌ی شاهدان «خشن و غیرضروری» بوده است. در برخی منابع رسمی هم اشاره شده که این عملیات تحت عنوان «عملیات افزایش نیرو در مترو Operation Metro Surge» ادامه دارد و طی آن هزاران بازداشت صورت گرفته و تنش‌ها در سطح جامعه بالا گرفته است.

رنه گود [Renée Good]، که شاعر بود و سعی می‌کرد از همسایگانش محافظت کند، توسط یک مأمور اداره‌ی مهاجرت و گمرک آمریکا در اتوموبیل‌اش در حال راه افتادن با اتوموبیل، به قتل رسید. آخرین کلمات او به مأمور این بود: «اشکالی ندارد رفیق، من از تو دلخور نیستم.» مأموری که او را کشت، به او ناسزا گفت [Fucking bitch]، در حالی که خودرو بدون کنترل راننده به حاشیه‌ی جاده برخورد می‌کرد.

چند هفته بعد، الکس پرتی [Alex Pretti]، پرستاری که روی زمین زانو زده بود، توسط یک مأمور Border Patrol ده بار هدف گلوله قرار گرفت، چون سعی داشت از زنی در برابر حمله با گاز فلفل محافظت کند. گفته می‌شود یکی از مأموران با تمسخر رو به تماشاگران فریاد زد «بوهوو/Boohoo»، و یکی از شاهدان این قتل بعد از شهادت در دادگاه دیگر جرأت نداشت به خانه‌اش برگردد.

## آیا ترامپ فاشیست است؟



در ۲۳ ژانویه ۲۰۲۶ در مینیآپولیس، جمعیت بسیار زیادی از ساکنان و معترضان با تجمع در خیابان‌ها، در سرمای زیر صفر درجه‌ی سانتی‌گراد علیه عملیات فدرال مهاجرتی موسوم به **Operation Metro Surge** و حضور نیروهای اداره‌ی مهاجرت و گمرک آمریکا اعتراض کردند - تجمعی که حتی باعث اعتصاب عمومی در شهر شد و بسیاری از کسب‌وکارها و مدارس در حمایت از اعتراض‌ها تعطیل شدند.

در جریان این اعتراض‌ها، گروه‌های محلی و فعالان از سوت‌ها و آژیرها و وسایل هشدار برای اعلام حضور مأموران در محله‌ها استفاده کردند تا دیگران را مطلع کنند، به‌ویژه در مناطقی که حضور مأموران باعث نگرانی و ترس در میان ساکنان، به‌ویژه مهاجران، شده بود .

مجموعه‌ی گزارش‌ها از اعتراضات حاکی است که مردم برای حفاظت از یکدیگر در برابر عملیات ضد مهاجران ایستاده‌اند و بسیاری از ساکنان، از جمله گروه‌های جامعه‌شناسی و اتحادیه‌ها، به خیابان‌ها آمده‌اند تا تقاضای پایان دادن به حضور گسترده نیروهای فدرال را اعلام کنند .

همچنین گزارش‌های رسانه‌ای معتبر نشان می‌دهند که این اعتراض‌ها در واکنش به کشته شدن شهروندان توسط مأموران فدرال، از جمله رنه گود و الکس پرتی، انجام شد و با درخواست‌های گسترده برای توقف عملیات و پایان بخشیدن به حضور نیروهای اجرایی مهاجرت در شهر، به «روز حقیقت و آزادی» بدل گردید. در این میان، رسانه‌ها نیز از پیامدهای اجتماعی و بهداری این عملیات گزارش داده‌اند - از جمله کاهش

حضور مردم در خدمات بهداری از ترس بازداشت و بی‌اعتمادی گسترده نسبت به اقدامات فدرال در سطح محلی. به عبارت دیگر، ساکنان مینیاپولیس با ابزارهایی مثل سوت زدن، صدای بوق و هشدار دادن به یکدیگر تلاش کردند همدیگر را از حضور مأموران مطلع کنند و از این طریق از ترس و خطر احتمالی بکاهند، در حالی که معترضان معتقدند اکنون حتی شهروندان عادی نیز به عنوان «دشمن» تلقی می‌شوند و اعتراض به اقدامات فدرال را بخش مهمی از مبارزه‌ی خود می‌دانند. ریچل سیر [Rachel Sayre]، از مدیریت بحران شهر که سابقه‌ی فعالیت در امدادرسانی در مناطق جنگی را دارد، بیان کرده که «وحشتی که در خیابان‌های مینیاپولیس جریان دارد، یادآور وضعیت مناطق درگیر جنگ در سوریه، اوکراین یا یمن است»<sup>۴</sup>. یا به گفته‌ی یکی از مأموران اداره مهاجرت و گمرک آمریکا (ICE) که در خیابان فیلم‌برداری شده بود: «عین بازی Call of Duty. خیلی باحاله، نه؟»<sup>۵</sup> 'It's like Call of Duty. So cool, huh?

بعد به لفاظی‌های حکومت می‌رسیم. «دشمنی» که این گروه شبه‌نظامی با آن مقابله می‌کند، دیگر فقط به گروه موسوم به «مهاجران مجرم» محدود نیست، بلکه هر آمریکایی را نیز دربرمی‌گیرد که در برابر این شکار و تعقیب مهاجران مقاومت کند. این مقاومت در یادداشت معروف و بدنام ریاست‌جمهوری موسوم به NSPM-7 به عنوان یکی از نشانه‌های «تروریسم داخلی» طبقه‌بندی شده است.<sup>۶</sup> مقامات دولت ترامپ در واکنش به کشته‌شدن رنه گود و الکس پرتی و خشونت‌های خیابانی در مینیاپولیس، موضعی متفاوت و جنجالی اتخاذ کرده‌اند که با روایت شاهدان و فیلم‌های منتشرشده در تضاد بوده است. این اختلاف روایت باعث شده که بحث گسترده‌ای در رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و اهل سیاست درباره این‌که آیا قربانیان به درستی توصیف می‌شوند یا نه، شکل بگیرد و حتی برخی اعضای کنگره خواستار تحقیق و پاسخ‌گویی شده‌اند. در پی انتقادهای شدید، دولت اعلام کرده مأموران در مینیاپولیس و به تدریج در دیگر مناطق باید دوربین‌های بدن‌پوش بپوشند تا وقایع بهتر ثبت شوند - اقدامی که مورد حمایت ترامپ قرار گرفته، اما همچنان بخشی از بحران سیاسی و اختلافات بر سر پاسخ دولت به خشونت‌هاست.

آیا ترامپ فاشیست است؟

دولت ترامپ مسئولیت مرگ گود و پرتی و خشونت در خیابان را به «جنبش رادیکال چپ» و «رسانه‌های جعل‌پرداز/ fake media» نسبت می‌دهد و ادعا می‌کند که این‌ها افراد را تا حد تروریست شدن رادیکال کرده‌اند. وزیر امنیت داخلی، کریستی نوم [Kristi Noem]، گود و پرتی را که در تلاش برای دفاع غیرخشونت‌آمیز از همسایگان خود در برابر خشونت دولتی بودند، «تروریست‌های داخلی» نامید که مأموران اداره‌ی مهاجرت و گمرک آمریکا باید در برابر آن‌ها از خود دفاع می‌کردند.<sup>۷</sup> این در حالی است که فیلم‌های ضبط‌شده از این قتل‌ها خلاف این ادعا را به روشنی نشان می‌دهند. در بیانیه‌ی حمایتی کاخ سفید از مأموران اداره‌ی مهاجرت و گمرک آمریکا آمده است: «خوشا به حال صلح‌جویان (Blessed are the peacemakers)» در حالی که این جمله در اصل اشاره به کسانی دارد که پاسدار صلح‌اند، و این‌جا به طرز کنایه‌آمیزی در حمایت از اقدام خشونت‌آمیز مأموران مورد استفاده قرار گرفته است.

برای رژیم ترامپ، تمام این خشونت‌ها مدت‌هاست که هدف روشنی در آینده دارند. کسی که هنوز (یا تازه) دارد می‌پرسد که آیا ترامپ فاشیست است یا نه، باز هم دیر شده است.

می‌توانیم خشونت‌ها در خیابان‌های آمریکا را تحلیل کنیم تا پاسخ پرسش «ترامپ را چگونه باید نامید» را بیابیم، اما برای رژیم ترامپ، این خشونت‌ها مدت‌هاست که هدف مشخصی در انتخابات میان‌دوره‌ای پیش‌رو دارند - اگر با راه‌های مسالمت‌آمیز ممکن نشد، به زور وادار خواهند شد. فینخلشتاین در این باره می‌گوید: «ترامپ اکنون پایه‌های یک رژیم فاشیستی را می‌گذارد. اگر ترامپ و ائتلافش امسال موفق شوند انتخابات میان‌دوره‌ای را لغو کنند، آنگاه راه برای جناح رادیکال‌تر باز می‌شود تا برنامه‌ی خود را به پیش ببرد».

ما از اشغال کاپیتول در ۲۰۲۱ می‌دانیم که ترامپ زمانی که گفت انتخابات ریاست‌جمهوری «دزدیده شده» است، به انتخابات چندان اعتقادی ندارد. او این ادعا را در اوایل امسال به‌طور مفصل در وب‌سایت کاخ سفید منتشر کرد.

درباره‌ی انتخابات پیش‌رو هم گفته است: «حتی نباید انتخاباتی برگزار شود.»<sup>۹</sup> دلیل آن هم روشن است: نظرسنجی‌ها وضعیت خوبی برای او نشان نمی‌دهند.<sup>۱۰</sup>

اما محتمل‌تر این است که او انتخابات را دستکاری کند تا برنده شود. مقدمات آن در حال انجام است: وارد آوردن فشار بی‌سابقه به نمایندگان جمهوری‌خواه برای بازنگری طرح زود هنگام حوزه‌های انتخابیه به نفع جمهوری‌خواهان - در نه حوزه‌ی انتخابیتی که پیش‌تر انجام شده است. تلاش برای کنار گذاشتن ماشین‌های رأی‌گیری و رأی‌گیری پستی که معمولاً توسط رأی‌دهندگان دموکرات استفاده می‌شود. مطالبه‌ی تمامی اطلاعات شخصی رأی‌دهندگان، مانند آدرس خانه، دریافت‌های رفاهی و شماره‌های شناسایی ملی. مردم نگران هستند که از این داده‌ها سوءاستفاده شده و افراد از فهرست رأی‌دهندگان حذف شوند.



مأموران مسلح معترضان را با خشونت به زمین می‌کوبند و با گاز اشک‌آور به آن‌ها حمله می‌کنند.

مقدمات این اقدامات برای پیروزی در انتخابات بعدی تا کنون تا حدی پشت درهای بسته انجام می‌شد. اما با برخورد خشونت‌آمیز در مینی‌آپولیس، رژیم ترامپ این مسیر به سوی یک کودتای آهنین را به خیابان‌ها و در خانه‌های مردم آمریکا آورده است. همان‌طور که در دستورالعمل‌های فاشیستی پیش‌بینی شده، این روند همراه با خشونت بی‌رحمانه است. شهرداری مینی‌آپولیس اکنون این خشونت وحشیانه را در برابر خود یک معضل دوزخی می‌بیند. پس از قتل پرتی، در یکشنبه ۲۵ ژانویه نامه‌ای از وزیر دادگستری آمریکا، پم بوندی [Pam Bondi]، به دفتر فرماندار ایالت مینسوتا ارسال شد. او در این نامه، با هدف «بازگرداندن نظم و قانون» در شهر، سه خواسته‌ی مشخص مطرح می‌کند: همکاری کامل با اقدامات سخت‌گیرانه‌ی اداره مهاجرت و کنترل مرزی. تحویل اطلاعات حساس شخصی همه کسانی که از برنامه‌های مدیکید (Medicaid) و کمک غذایی استفاده می‌کنند. تحویل کامل پایگاه داده‌ی رأی‌دهندگان ایالت دموکرات مینسوتا به دولت فدرال (دسترسی به فهرست رأی‌دهندگان).

انتخابی ناممکن. زیرا تحویل پایگاه داده‌های رأی‌دهندگان، گامی دیگر به سوی انتخابات ناعادلانه است. اما امتناع از این کار ممکن است به تشدید هرچه بیشتر خشونت بینجامد. امری که ترامپ می‌تواند آن را دستاویزی برای اعلام «قانون شورش (Insurrection Act)» قرار داده و ارتش را به شهر اعزام کند<sup>۱۱</sup> تا به یاری مأموران اداره‌ی مهاجرت و گمرک و گشت مرزی (Border Patrol) برود و - شاید - بر برگزاری «انتخابات میان‌دوره‌ای عادلانه» نظارت کند. یا حتی برگه‌های رأی و دستگاه‌های رأی‌گیری را توقیف کند. گامی که ترامپ گفته بود در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰، که در آن شکست خورد، باید همان زمان برمی‌داشت.<sup>۱۲</sup>

## آخرین مرحله از دستورکار فاشیستی

پس اشتباه است فکر کنیم که توسعه‌طلبی ترامپ، بازداشت‌های خشونت‌آمیز و اعدام‌های خیابانی شهروندان آمریکایی آغاز فاشیسم در ایالات متحده است. رژیم ترامپ بیشتر در حال حرکت به سمت آخرین، شدیدترین و ناپایدارترین مرحله‌ی فاشیسم است: رادیکالی‌سازی. رهبرانی که از دستورکار فاشیستی بهره می‌برند، با

برنامه‌ای پر از نفرت، دشمنی و ضدانسانیت به قدرت می‌رسند. در نهایت، به نوشته‌ی تاریخ‌دان رابرت پکسون، «یک اقلیت مفتونِ وسواسی فرصت پیدا می‌کند تا عمیق‌ترین خواسته‌ها و نفرت‌های خود را به عمل تبدیل کند.» و این همان چیزی است که پکسون وقتی از این آخرین مرحله‌ی دستورکار فاشیستی صحبت می‌کند، آن را رادیکالی‌سازی می‌نامد. یا همان‌طور که کاخ سفید ترجیح می‌دهد آن را بیان کند: «عصر طلایی تازه آغاز شده است / *A golden age just getting started*».<sup>۱۳</sup>



در جنوب مینیاپولیس گروه‌های محلی و جامعه‌ی مدنی دست به سازمان‌دهی زده‌اند تا حمایت و پیگیری فعالیت‌های اداره‌ی مهاجرت و گمرک را گزارش کنند و از مهاجران و مردم محلی حفاظت کنند. حدود ۸۰۰ نفر در این گردهمایی‌ها شرکت کرده‌اند.

خشونت و سرکوب اکنون به سوی افرادی می‌آید که زمانی فکر می‌کردند در امنیت هستند.

این پیام کلیدی می‌گوید که فهمیدن این که آیا ترامپ فاشیست است یا نه، دیگر کافی نیست - بلکه آنچه واقعاً اهمیت دارد این است که چگونه باید در برابر روندی که به‌زودی ممکن است به مرحله‌ی خطرناک‌تر برسد، عمل کنیم.

پاسخ به پرسش درباره‌ی ماهیت فاشیستی ترامپ فقط زمانی ارزش دارد که راهنمایی برای عمل و مقاومت باشد. یعنی شناخت نشانه‌های فاشیسم باید باعث شود

آیا ترامپ فاشیست است؟

مردم آماده‌ی واکنش و اقدام در مقابل رادیکالی شدن روند سیاسی و اجتماعی پیش از انتخابات آینده شوند. این همان چیزی است که شهروندان و شهرداری مینی‌اپولیس اکنون درک و به شکل مستقیم آن را لمس می‌کنند. کافی است به انتخاب دشواری که شهرداری مینی‌اپولیس اکنون با آن روبه‌رو است نگاه کنید. و اشتباه نکنید: مینی‌اپولیس اکنون به یک آزمایشگاه برای دیگر شهرها و ایالت‌های آمریکا تبدیل شده است. مقاومت در مینی‌اپولیس دیگر فقط درباره‌ی سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ی اخراج مهاجران نیست؛ این یک نبرد برای دموکراسی لیبرال در ایالات متحده است. یا همان‌طور که فعالان و چهره‌های مشهور آمریکایی اکنون با اشاره به کشته شدن الکس پرتی و رنه گود می‌گویند: «دلیل عالی برای اعتصاب سرتاسری ملی.»

پس اکنون چه باید کرد؟ چون کار به این جا رسیده، تقریباً تنها راه‌حل روبه‌رو شدن با این موضوع است - با خطر پیامدهای شخصی بزرگ. کافی است به بهایی که مردم اکنون برای اعتراض‌هایشان می‌پردازند نگاه کنید: آن‌ها ممکن است با سانسور، گاز اشک‌آور، خشونت، دستگیری و حتی مرگ روبه‌رو شوند تا آن‌چه را که ترامپ شروع کرده، متوقف کنند. اما با وجود همه‌ی این‌ها، مقاومت موفقیت‌هایی هم داشته است. پس از فشار گسترده‌ی معترضان، مدیران شرکت‌های بزرگ، دموکرات‌ها و حتی تعدادی از جمهوری‌خواهان، فرماندهی سخت‌گیر مسئول عملیات در مینی‌اپولیس - گرگوری بووینو (Gregory Bovino) - از سمت‌اش کنار گذاشته شد و توم هومان (Tom Homan) از سوی ترامپ جانشین او شد که خود معمار سیاست‌های اخراج است.

مهم است که بدانیم اصلاً نیازی نبود که این وضعیت به اینجا برسد. زیرا انسانیت‌زدایی، نژادپرستی و خشونت پلیس علیه مهاجران و آمریکایی‌های سیاه‌پوست سال‌هاست که در سیاست آمریکا پذیرفته شده است. چه جمهوری‌خواهان و چه دموکرات‌ها اجازه داده‌اند که ترامپ هر بار یک گام جلوتر برود: اخراج افراد بدون محاکمه به زندان‌های تروریسم در السالوادور، تأمین مالی تشکیل نیروهای شبه‌نظامی، مشروعیت دادن به خشونت‌های خارج از قانون.

همان‌طور که در دستورکار فاشیستی پیش‌بینی شده، اکنون این خشونت‌ها به سوی افرادی می‌رود که زمانی فکر می‌کردند در امنیت هستند. کسی که هنوز تصور

می‌کند از تیررس این خشونت‌ها دور می‌ماند و از مواجهه با واقعیت اجتناب می‌کند، در نهایت همراه با دیگران، خود را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد.

منبع متن اصلی: [این‌جا](#)

### درباره‌ی عکس‌ها:

جک کالیفانو (Jack Califano) عکاس روزنامه‌نگار مستقل از نیویورک است. او حدود دو هفته است که همراه با گشت‌های مردمی در مینیاپولیس سفر کرد. او تظاهرات و درگیری‌ها با مأموران اداره‌ی مهاجرت و گمرک را ثبت عکس می‌کند. در میانه‌ی تهدیدها و ابرهای گاز اشک‌آور، از نزدیک نشان می‌دهد چه اتفاقی در حال رخ دادن است: هم اقدامات خشونت‌آمیز و ارباب مأموران اداره‌ی مهاجرت و گمرک و اعتراضات بدون خشونت ساکنان محلی را. برای دیدن گزارش‌ها و عکس‌های او طریق اپلیکیشن یا وبسایت اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/jackisjackwas/?hl=en>

---

<sup>1</sup> Resistance Libs

<sup>2</sup> <https://www.whitehouse.gov/articles/2025/09/democrats-unhinged-crusade-against-ice-fuels-bloodshed/>

<sup>3</sup> *The Anatomy of Fascism*

<sup>4</sup> [NPR: 'Minneapolis emergency management director invokes Yemen and Ukraine to describe events at home'](#)

<sup>5</sup> *The Guardian: 'This is what fascism looks like'*

<sup>6</sup> <https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/2025/09/countering-domestic-terrorism-and-organized-political-violence/>

<sup>7</sup> [Axios: 'Trump officials stick "terrorist" label on Americans killed by DHS'](#)

<sup>8</sup> [Instagram Department of Homeland Security: 'Blessed are the peacemakers'](#)

<sup>9</sup> [Democracy Docket: 'Trump's call to cancel elections must be a wake-up call' We shouldn't even have an election](#)

<sup>10</sup> [Ipsos: 'What midterm projections tell us about Trump's central struggle'](#)

<sup>11</sup> [Brennan Center for Justice: 'The Insurrection Act, Explained'](#)

آیا ترامپ فاشیست است؟

---

<sup>12</sup> [\*The New York Times: 'Trump Regrets Not Seizing Voting Machines After 2020 Election'\*](#)

<sup>13</sup> [\*The White House: 'A golden age just getting started'\*](#)